

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۷ مارچ ۲۰۲۱

مبارزه پیگیر زنان کردستان ایران بی وقفه ادامه دارد!

در یک نگاه نخست تصاویر از زنان کرد بسیار متنوع و اجتماعی است، کار و کوشش، اندیشه و قلم، مبارزه در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، کوهستان و مبارزه مسلحانه، نواختن موسیقی و... زنانی که هم قلم به‌دست دارند و هم اسلحه. زیبایی این تصاویر در نهایت سادگی و در دل طبیعت بودن‌شان در عین حال تفسیر پیچیده‌ای دارند. رنج و درد زندگی، شور و شوق رهایی، همواره در چشمان‌شان موج می‌زند. اگر بخواهیم علمی و عمیق پدیده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، باید آن‌ها را در ظرف تاریخ و جایگاه واقعی خود قرار دهیم. این که این به ویژه زنان کردستان چرا در سطح وسیعی به مبارزه سیاسی و مسلحانه روی آورده‌اند، باید به شرایط زندگی‌شان، در تاریخ کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق بنگریم و به ویژه به سرکوب و ناعدالتی‌هایی که حاکمیت‌ها در خاورمیانه بر مردم کرد تحمیل کرده‌اند. یعنی شورش بزرگ بر علیه ظلم و ستم، نابرابری و تبعیض، سرکوب و استثمار!

برای زنان کردستان فرقی ندارد که در شهرها و روستاها و کوهستان زندگی می‌کنند دغدغه اصلی آن‌ها رهایی از تبعیض و ستم دولتی و غیردولتی و سنت‌های عقب‌مانده و ارتجاعی مردسالاری است. آن‌ها برای این که انسان در مرکز زندگی خصوصی و عمومی قرار ندارد، اندیشیدن به خود و دیگران و تلاش برای دگرگونی شرایط موجود، جرم نابخشودنی محسوب می‌شود یکی از راه‌های رهایی پیوستن به نیروهای مسلح پیشمرگانی و یا گریلایی در دل کوهستان‌هاست. هدف اصلی آن‌ها گذردادن دوره‌های سخت و پیچیده سیاسی - نظامی و اغلب برگشت به شهرها و روستاها برای بسیج عمومی و سازماندهی مردم در راستای مبارزه هدفمند است. محاصره چهار ماهه کوبانی توسط نیروهای داعش آدم‌خوار اسلامی و پوستن جوانان دختر و پسر از چهار پارچه کردستان برای آزادی کوبانی، در تاریخ مبارزات مردم کرد و منطقه ثبت شده است. استفاده از این تجارب و همچنین تجارب مبارزه در سراسر روزآوا و شکست داعش به ویژه توسط یگان‌های مدافع زنان بسیار تحسین‌برانگیز و در عین حال یادگرفتنی است.

در سال‌های نزدیک به انقلاب ۱۳۵۷ ایران، زنان کرد نقش پررنگی در سازماندهی اقدامات جمعی سیاسی ایفا کردند. بسیاری از آنان به کومه‌له که افکار سوسیالیستی داشت و بعداً با تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ سازمان کردستان آن نامیده شد پیوستند و سپس با فراخوان آن، اولین واحدهای نظامی پیشمرگه زنان تشکیل شد.

در جریان کوچ اعتراضی مردم مریوان در تیرماه ۱۳۵۸ نیز، زنان نقش چشمگیری ایفا کردند. به اعتبار شاهدان، اسناد و تصاویر باقی‌مانده از این رویداد تاریخی، در کنار حضور فعال زنان مریوانی در اردوگاه «کائی‌میران»، شماری از

زنان از سایر شهرهای کردستان برای همبستگی با مردم مریوان پیاده به سمت این شهر راهپیمایی کردند. پلاکاردها، شعارها و گزارش‌های مطبوعات آن زمان نشان می‌دهد که آن‌ها از جمله، با مطالبات آزادی‌خواهانه و برابری‌خواهانه وارد عرصه مبارزات سیاسی شده بودند.



باین ترتیب تاریخ مردم کرد پر از تجربه‌های تلخ و سرکوب‌های مداوم و مرگ دسته‌جمعی در جنگ‌های بین دولت‌ها و همچنین جنگ دولت‌ها با مردم، هم تجربه سکوتی که قدرت‌های حاکم منطقه و جهان بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند.

نمونه روشن این تجربه، عملیات ۷ ماهه «انفال» حکومت بعث عراق علیه مردم کرد بود که به دستور صدام حسین، از فوریه ۱۹۸۸ شروع شد و تا سپتامبر همان سال ادامه داشت. جهان سال‌ها از ابعاد این عملیات بی‌خبر بود. بسیاری از آن دوره سپاه شاید تنها نام بمباران شیمیایی حلبچه را شنیده‌اند. اما عملیات انفال ابعاد بسیار وسیع‌تری داشت که در استان‌های کرکوک، دیاله، نینوا و صلاح‌الدین و سلیمانیه اجرا شد و طی آن بیش از ۴۲۰۰ روستا کاملاً نابود شد و بیش از ۱۸۰ هزار نفر کشته شدند. زیست‌گاه‌ها، زمین‌های کشاورزی و دو میلیون رأس دام را هم نابود کردند و بسیاری از چشمه‌های منطقه خشک یا مسموم شدند. علاوه بر این، بیش از ۱۵ میلیون مین در این منطقه کاشته شد که هنوز هم قربانی می‌گیرد.

ارتش بعث در بیش‌تر حملات خود، مردم را در روستاها دستگیر می‌کردند و با ماشین‌های زرهی به سمت جنوب و جنوب غربی عراق و مرز با عربستان می‌بردند.

انفال نام یکی از سوره‌های قرآن است و در آن وظایف مسلمانان علیه کفار در جنگ یادآور می‌شود. این نام را صدام و حزب بعث برای عملیات خود انتخاب کردند، که این کشتار را به بهانه عدم همکاری کردها در جنگ با ایران توجیه کنند.

آدونیس، شاعر نامدار سوری در شعری که به یاد جان‌باختگان کشتار انفال سروده عمق فاجعه را چنین توصیف می‌کند:

خدایا کردها را ببخش

که نمی‌توانند قرآن را ختم کنند

آن‌ها وقتی به سوره‌ی انفال می‌رسند

همه می‌میرند

...

ابعاد این کشتار جمعی تا سال‌ها بعد روشن نشده بود تا این‌که در سال ۱۹۹۱ و بعد از تعیین مدار ۳۶ درجه و ایجاد منطقه‌ی پرواز ممنوع، ابعاد عملیات انفال به مرور گزارش و روشن شد و بسیاری از بازماندگان فرصت یافتند تا تجربه دردناک خود را روایت کنند. هرچند سازمان‌های جهانی پیگیری کرده‌اند اما هنوز از تعداد دقیق جان‌باختگان اطلاعات دقیقی در دست نیست. حکومت فعلی عراق هم احقاق حقوق بازماندگان این کشتارها را مسکوت گذاشته است.

در این میان کومله - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران که طی ۸ سال جنگ مخرب و ویرانگر ایران و عراق بر علیه این جنگ ارتجاعی موضع گرفته بود و همواره می‌کوشید که نیروهای خود را از میدان‌های آن دور نگاه دارد، این بار همراه با مردم ست‌مدیده این منطقه گرفتار این فاجعه انسانی و ضایعه‌ای بزرگ شد.



در آن سال‌ها نیروی پیشمرگ کومله در چندین نقطه کوهستانی، در طول مرز کردستان ایران و عراق، پایگاه‌هایی برای استراحت و ... دایر کرده بود. روستای بیاره یکی از این مکان‌ها در منطقه اورامان محل استقرار گردان شوان بود. روز ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۶۶ رفقای گردان شوان متوجه تحرکات تازه نیروهای جمهوری اسلامی در این منطقه می‌شوند. هر آن احتمال وقوع جنگی سنگین بین نیروهای کومله و جمهوری اسلامی وجود داشت. به همین دلیل از سوی فرماندهی نظامی کومله و کمیته ناحیه سنندج، ضمن تماس با فرماندهی گردان شوان، دستور عقب‌نشینی و تخلیه بیاره به این رفقا داده شد.

رفیق شکرالله خیرآبادی فرماندهی گردان شوان را به عهده داشت. وی همراه با دیگر رفقای مسؤول گردان، دو راه را برای عقب‌نشینی انتخاب کرده بودند. یکی از این راه‌ها از مسیر جبهه‌های جنگ می‌گذشت و از آنجا که ناحیه کوهستانی بود و توسط شمار بسیار زیادی از نیروهای جمهوری اسلامی به اشغال در آمده بود، عبور از آن راه خطرناک و تنها از طریق همکاری نیروهای جبهه کردستان عراق احتمالاً میسر می‌شد. راه دیگر از مسیری هموارتری می‌گذشت که ظاهر امن‌تر به نظر می‌رسید، اما در واقع در تیررس نیروهای دشمن و در نوک حمله آنان قرار داشت. در نتیجه رفقای گردان شوان برای عقب‌نشینی عبور از نواحی هموار و دشتستان‌های منطقه را انتخاب کردند.

پس از آمادگی و آرایش نظامی لازم به طرف روستایی به نام «عه نه ب» حرکت کردند. در نزدیکی این محل متوجه شدند که نیروهای جمهوری اسلامی با همکاری نیروهای «جبهه کردستان» عراق بخش‌های وسیعی از منطقه را به تصرف خود در آورده و پل اصلی که برای ادامه مسیر خود می‌بایست از روی آن عبور می‌کردند، توسط این نیروها منفجر شده است. با تخریب این پل تنها راه دیگر عبور از دریاچه سیروان بود.

رفقای گردان شوان ناچار به داخل شهرک «عه نه ب» رفته و مخفیانه در چند محل استقرار یافتند، تا بلکه با تاریک شدن هوا در فرصتی مناسب مسیر عقب‌نشینی خود را ادامه دهند. آن روز تا عصر در آنجا می‌مانند. اما ماندن آنان در آنجا هم‌زمان است با بمباران شیمیایی شهر حلبچه که بر اثر پخش گازهای سمی در کل منطقه تعدادی از رفقا به

سختی و عده‌ای نیز به درجاتی کمتر مسموم می‌شوند. از طرف کمیته ناحیه سنندج با رفقای گردان شوان تماس گرفته می‌شود و آن‌ها را راهنمایی می‌کنند که به سوی دریاچه سیروان حرکت کنند تا بوسیله قایق‌هایی که قبلاً آماده کرده بودند آن‌ها را از دریاچه عبور دهند.

رفقای گردان شوان تا تاریک شدن هوا منتظر می‌مانند. با تاریک شدن هوا این رفقا به طرف ساحل دریاچه سیروان حرکت می‌کنند. برای طی این مسیر به طور معمول ۲ ساعت وقت لازم است، اما در آن شرایط هولناک رفقا این مسیر را با طی زمان ۷ ساعت می‌پیمایند و متأسفانه نمی‌توانند به محل مقرر با رفقای کمیته ناحیه برسند.

در این بین و در طرف دیگر دریاچه، گردان دیگری از پیشمرگان کومله از تیپ ۱۱ سنندج و شماری از مسؤولین نمایندگی کومله در عراق با بی‌صبری برای کمک و نجات جان همسنگران خود آماده هر نوع فداکاری و از خودگذشتگی بودند. این عزیزان تقریباً در فاصله زمانی بیست دقیقه‌ای دریاچه قرار داشتند اما به علت عدم آشنایی با این ناحیه و تاریکی هوا، محل تعیین شده را نیافتند. به منظور تماس و کمک بیش‌تر به رفقا یک قایق با ۵ سرنشین به آن سوی دریاچه فرستاده می‌شود. اما قبل از این‌که این قایق به ساحل برسد هدف تیراندازی نیروهای جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. قایق منهدم شده و ۴ نفر از رفقا جان‌باخته و یک نفر از آنان نیز به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی در می‌آید.

در چنین وضعیتی رفیق شکرالله خیرآبادی فرمانده گردان شوان رفقای مستقر در طرف دیگر دریاچه را مطلع می‌کند که واحدهایی از رفقای گردان با نیروهای جمهوری اسلامی درگیر جنگ شده‌اند. پس از گذشت نیم ساعت آخرین مکالمات بین فرماندهی رفقای مستقر در دو سوی دریاچه رد و بدل می‌شود و پس از آن تماس با رفقای گردان شوان برای همیشه قطع می‌گردد.

به تدریج و با گذشت زمان روشن شد از آن‌جا که رفقای گردان شوان در آن شرایط بغایت سخت و دشوار خصوصاً مسمومیت عده‌ای از رفقا بر اثر بمباران شیمیایی، نمی‌توانند خود را به ساحل دریاچه سیروان و محل مقرر برسانند، در نیازهای اطراف می‌مانند. در همین اثنا نیروهای جمهوری اسلامی که متوجه حرکت قایق کمکی می‌شوند، متوجه می‌شوند که ممکن است واحدی از رفقا ما در آن منطقه گیر کرده باشند. به همین منظور شمار بسیار زیادی از نیروهای دشمن با تمرکز در حوالی محل استقرار رفقای گردان شوان با آن‌ها درگیر می‌شوند و فاجعه اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب رفقای گردان شوان مانند هزاران تن از مردم ستم‌دیده حلبچه و... جان خود را از دست می‌دهند.

۱۲ تن از رفقای این گردان به اسارت دشمن در می‌آیند. ۱ تن از آن‌ها پس از چند ماه تحمل شکنجه‌های فراوان و مقاومت در برابر شکنجه‌گران و دفاع از آرمان‌های کمونیستی خود، سرانجام در جریان کشتار و قتل‌عام سراسری زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ در زندان سنندج اعدام شدند.

در این واقعه جمعاً ۶۹ نفر از عزیزترین و جسورترین نیروهای کومله جان‌باختند. این رفقا از زبیده‌ترین اعضا و کادرهای انقلابی کومله و حزب کمونیست ایران بودند که در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ و حتی سال‌های قبل از آن پا به میدان مبارزه نهاده بودند.

نام گردان شوان در جنبش انقلابی مردم کردستان و فعالیت کومله همواره یادآور جسارت و رزمندگی بوده و هنوز هم هست. یاد عزیزشان گرامی باد!

تنها چند ماه مانده به پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، در ساعت ۲ بعد از ظهر ۱۶ مارس ۱۹۸۸ برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ هواپیماهای حکومت بعث عراق شهر حلبچه، واقع در ۱۵ کیلومتری مرز عراق با ایران را به مدت ۵ ساعت بمباران شیمیایی کردند. بیش از ۵ هزار نفر از مردم شهر در یک نیمروز جان خود را از دست دادند. بعدها

حدود ۱۰ هزار نفر از ساکنان شهر به علت عوارض ناشی از مسمومیت با بمب‌های شیمیایی به مرور زمان جان باختند. فرستادگان ویژه سازمان پزشکان بدون مرز بعد از تحقیقات محلی تایید کردند که طی بمباران از گاز خردل و اعصاب استفاده شده است.

بسیاری از افرادی که در مکان‌های نزدیک به اصابت بمب‌های شیمیایی بودند در جا کشته شدند، و بسیاری نیز در حالی که سعی می‌کردند از راه کوهستان خود را به ایران برسانند در اطراف شهر مردند. حلبچه بعد از بمباران شیمیایی به علت آلودگی شدید به مواد شیمیایی تخلیه شد و ساکنانی که از فاجعه جان سالم به در بردند شهر جدید حلبچه را در فاصله ۳ کیلومتری از محل حادثه از نو بنا نهادند.

یکی از معضلات بزرگ زنان کردستان، ختنه دختران از جمله در نقاطی از استان کردستان ایران است. ناقص‌سازی جنسی زنان یا به اصطلاح «ختنه» دختران، در استان‌های خوزستان، لرستان و بیش از همه کردستان نیز معمول است. پیامدهای جسمی و روحی این رسم غیرانسانی بر قربانیان آن، ابعاد گسترده‌ای دارد.

ناقص‌سازی جنسی زنان یا به اصطلاح «ختنه» آن‌ها، رسمی است که در میان گروهی از اعراب و به ویژه مسلمانان ساکن شمال آفریقا رایج است. ختنه دختران در برخی نواحی جنوبی و غربی ایران نیز متداول است. بنیاد جمعیت سازمان ملل خواستار تعهد جدی‌تر دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری و اجرای برنامه‌هایی برای توقف و پیشگیری از ختنه دختران شده، زیرا طبق آمار هنوز هم به طور سالانه، سه میلیون دختر در معرض خطر ختنه قرار دارند. سازمان ملل، نهادهای مدافع حقوق بشر و حقوق زنان، سال‌هاست که برای توقف چنین رسمی در جوامع آفریقایی، عربی و اسلامی تلاش می‌کنند. در چند کشور آفریقایی از جمله مصر، قوانینی علیه ختنه زنان تصویب شده‌اند. در ایران هنوز انجام این سنت به طور رسمی تایید نمی‌شود و دولت نیز تاکنون اقدامی برای جلوگیری از آن انجام نداده است.

گزارش‌های مربوط به ختنه دختران در ایران، از جنوب و غرب کشور می‌رسند. مثله کردن اندام جنسی دختران به نام ختنه، در استان‌های خوزستان، لرستان و بیش از همه کردستان معمول است. هرمزگان و بنادر گنگ و جاسک از جمله شهرهای جنوبی ایران هستند که در آن‌ها ختنه دختران یک رسم است. گفته می‌شود این رسم در مناطق جنوبی ایران از طریق رفت و آمد دریایی به هند و سومالی وارد کشور شده است.

در غرب ایران، ختنه زنان در اورامانات، بانه، نوسود، پاره، پیرانشهر و حتی اطراف ارومیه در موارد متعدد به چشم می‌خورد.

در واقع ختنه یک فریضه مذهبی است و این در میان سنی مذهب‌ها و شافعی مذهب‌ها، سنتی اسلامی تلقی می‌شود. برخی زنان مسن و ماما‌های محلی هستند که دختران را ختنه می‌کنند. کسانی که هیچ سواد و فرهنگ بهداشتی ندارند و با چاقو یا تیغی بسیار کثیف، تنها با مالیدن کمی خاکستر به تیغ و بدن دختر بچه‌ها، اقدام به بریدن کلیتورس آن‌ها می‌کنند. سن رایج ختنه دختران در کردستان، چهار تا شش سال است.

بریدن کلیتورس دختران، عوارض جسمی زیادی دارد. ابتلا به عفونت‌های واژن و رحم، نازایی، دردهای شدید هنگام قاعدگی یا کیست واژن و رحم و بطور کلی دردهای موضعی، بیش‌تر دختران و زنانی را که ختنه شده‌اند رنج می‌دهد. با ختنه، حس جنسی زنان از میان می‌رود و رابطه جنسی نیز دردناک می‌شود.

اما با وجود همه این پیامدها، خود زنان هم در تداوم سنت مثله‌سازی اندام جنسی دختران نقشی عمده ایفا می‌کنند. روز ششم فوریه روز جهانی مبارزه با ختنه زنان است. طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی در سراسر جهان ۱۴۰ میلیون دختر و زن هستند که ختنه شده‌اند. اکثریت این دختران و زنان در ۲۸ کشور آفریقایی، بیش از هر جا در جنوب

صحرا، هستند. اما در پی آوارگی‌ها و مهاجرت‌ها این سنت بی‌رحمانه به اروپا نیز انتقال یافته است. تنها در آلمان طبق آمار رسمی حدود بیست هزار زن ختنه شده زندگی می‌کنند.

اما تعداد واقعی زنان ختنه شده در آلمان از این هم بالاتر است. بسیاری از دختران آفریقایی که در آلمان می‌زیند هم از دست ختنه در امان نیستند. برخی از آنان را در دوره تعطیلات مدارس به کشور پدر و مادرشان می‌فرستند و در آنجا ختنه می‌کنند. در آلمان نمی‌توان به لحاظ حقوقی علیه این کار اقدامی کرد. چون ختنه زنان در آلمان، برخلاف فرانسه، با قانون ممنوع نشده است.

بیش از ۹۰ درصد زنان در مالی ختنه شده‌اند و بیش از ۸۰ درصد مردم این کشور معتقدند که این سنت خوب و درست است. ختنه زنان موضوعی است تابو، در باره آن در پهنه همگانی بحث نمی‌شود.

در هر ۱۰ ثانیه در نقطه‌ای از دنیا دختری را ختنه می‌کنند. و این برای دختران و زنان ختنه شده آغاز زندگی‌ای است پردرد. عفونت، درد و ناباروری تنها برخی از پیامدهای ختنه زنان‌اند. ششم فوریه روز جهانی مبارزه با ختنه زنان است.

حدود ۱۴۰ میلیون زن در دنیا ختنه شده‌اند. هر سال ۳ میلیون زن به زیر تیغ ختنه‌گران می‌روند. بیش از ۶۰ سال است که مدافعان حقوق بشر علیه ختنه زنان Female Genital Mutilation مبارزه می‌کنند. سودان یکی از کشورهایی است که بالاترین آمار زنان ختنه‌شده را دارد. ششم فوریه-۱۷ بهمن ماه روز جهانی مبارزه با ختنه زنان است.

معضل دیگر مردم کردستان ایران کولبری است. پروین ذبیحی متولد شهر بانه، طی سال‌های اخیر در کردستان از طریق سازمان‌هایی چون انجمن زنان آذر مهر، کانون کودکان، اتحادیه کارگران بی‌کار و اخراجی، در زمینه مبارزه با قتل‌های ناموسی، ختنه دختران، خودسوزی زنان، سنگسار و خون بس و اعدام فعالیت کرده است. وی علاوه بر فعالیت‌های حقوق بشری، یکی از اعضای فعال انجمن ادبی مریوان نیز به شمار می‌رود. پروین ذبیحی طی سال‌های اخیر در زمینه‌هایی چون نقض حقوق زنان، کودکان، خودسوزی زنان چندین مقاله، تحقیق و پژوهش منتشر کرده و همچنین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در بالا بردن سطح آگاهی زنان نسبت به معضلاتی که با آنان روبه‌رو هستند بسیار تاثیر گذار بوده است.

او در مصاحبه‌ای در مورد وضعیت زنان در کردستان و همچنین زنان کولبر داشته که در این باره گفته است: اغلب مردان کولبر از اقشار محروم و بیکار جامعه هستند که به کولبری روی می‌آورند و طبیعی است که زنان‌شان هم از قشر پایین جامعه هستند و تنها منبع مالی کار مردان خانواده است. این نکته را هم مدنظر داشته باشید که بیکاری، تورم و بحران اقتصادی حتی جوانان تحصیل‌کرده ما را نیز به کولبری کشانده است. مردان یا فرزندان خانواده که مجبور به کولبری هستند دچار ضایعات فراوانی می‌شوند به عنوان مثال نابینایی، کمردردهای فراوان، نقص عضو در اثر انفجار مین و موارد دیگر. بعد از این اتفاق زن خانه باید هم نان‌آور خانه بشود و هم پرستار همسر و یا فرزندان خود. علاوه بر آن به مشکلاتی که از لحاظ روانی هم برای این زن پیش می‌آید باید توجه کرد؛ از جمله تحمل بداخلاقی‌های همسر و یا دلتنگی‌ها، غصه‌ها و نگرانی‌های او از این‌که از دستش کاری برای همسر و فرزندان برنمی‌آید. خشونت جنسی و اقتصادی که دامن‌گیر مرد خانواده است در واقع بیش‌تر زن خانواده را مورد هدف قرار داده. زن باید روی زمین‌های کشاورزی کار کند، از دام‌ها نگهداری کند، از همسر و فرزندان آسیب‌دیده خود پرستاری کند، به مسائل آموزشی فرزندان رسیدگی کند و علاوه بر تمامی این موارد با مشکلات روحی و روانی نیز دست و پنجه نرم کند. زنی که فرزند آسیب‌دیده از مین دارد علاوه بر پرستاری که وظیفه‌ای مادری تلقی می‌شود باید نگرانی‌های

زیادی در ارتباط با ادامه معالجه فرزند خود شامل هزینه‌های سرسام‌آور درمان هم داشته باشد. در واقع وظیفه ادامه معالجه نیز بر دوش زن خانواده می‌افتد. عملاً قربانی اصلی این‌جا زن است، قربانی خاموشی که هیچ‌کس او را نمی‌بیند. دلپره‌ها و نگرانی‌های زنان برای مردان خانواده به هنگام کولبری را نیز در نظر بگیرید، نگرانی از این‌که مردان به سلامت به خانه برگردند. مشکل دیگری که وجود دارد قربانی شدن زنان بر اثر مین است. مثلاً من با یکی از این زنان در روستای منطقه «ژاورود» که بسیار دور افتاده است مصاحبه داشتم که در سال ۸۷ به هنگام چیدن سبزی‌های کوهی لبه چاقویش به مین برخورد کرده بود و در اثر انفجار دچار موج گرفتگی شده است. و الان دچار لکنت زبان و آلزایمر است و هنوز هیچ‌گونه هزینه درمانی دریافت نکرده است.

زنانی که خود کولبرند علاوه بر تحمل بار سنگین بر شانه‌های ظریف و شکننده‌شان ممکن است مورد آزار جنسی و روحی و روانی قاچاقچیان اصلی و صاحبان بار و سرمایه قرار بگیرند. سرمایه‌داران سیری‌ناپذیر که سود کلان را آنان به جیب می‌زنند و از خطراتی چون سقوط از کوه انفجار مین یخ زدن کشته و یا معلول شدن در امانند و این کولبران رنج‌دیده هستند که برای چندر گاز سر راه با چنین خطرات هولناکی روبرویند.

...

وی درباره خشونت بر زنان گفته است: در مورد خشونت به این مسأله اشاره کنم که بسیاری از دختران در حال حاضر خشونت را به هیچ‌وجه قبول نمی‌کنند برای مثال ادامه تحصیل می‌دهند، طلاق می‌گیرند، علیه خشونت‌های مرد خانه قد علم کرده‌اند و بسیاری از این زنان خشونت دیده با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و در رابطه با حقوق خود صحبت می‌کنند و این‌ها همگی نتایج آموزش‌ها و آگاهسازی‌ها هستند. من معتقد هستم که پایه‌های سنت‌های سیاه و ارتجاعی قوانین زن‌ستیز گرایش‌های شدید ناسیونالیستی نیز بر خشونت علیه زنان تأثیرگذارند. در بعضی منابع باور به ناسیونالیسم پدید آورنده حس وفاداری شور و وابستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده آن قوم یا ملیت از جمله نژاد، زبان، سنت‌ها، ارزش‌های اجتماعی و به طور کلی فرهنگ است که گاهی موجب اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود. گرچه در طول تاریخ زنان کرد گاهی به موفقیت‌های چشمگیر سیاسی دست یافته‌اند از جمله در ایران و امپراتوری عثمانی حاکم بر مناطق خودمختار کرد نشین بوده‌اند و به عنوان زنان مبارز و شجاع در میدان نبرد شناخته شده‌اند، همپای مردان حضور یافته و دست در دست آنان رقصیده‌اند، اما این یک روی سکه است. روی دیگر سکه، زنان کرد قربانی اشکال مختلف خشونت از جمله خشونت خانگی، قتل، ختنه، خودسوزی چند همسری ... هستند زیرا در جامعه مرد سالار کردستان هویت مردانه بر اساس میزان کنترل مرد بر زن سنجیده می‌شود.

و سخن آخر این‌که در طول سالیانی که در حوزه زنان و کودکان و علیه هر نوع آپارتاید تلاش کرده‌ام و با افراد و انجی‌اوه‌های مختلف رابطه داشتم بزرگان و نخبگانی که از آنان درس‌ها آموختم و بر دانش و تجربیاتم افزودم تا به امروز و حتی از زمان‌های قبل از آن به لحاظ تنوری و عملی بر باور همیشگی‌ام پایبندم که اقتصاد همیشه در اولویت است و معتقدم برای توانمندسازی زنان خشونت دیده و افزایش اعتماد به نفس‌شان باید به آن‌ها یاد داد که با اشتغال‌زایی و کسب درآمد می‌توانند شرایط اسفباری را که در آن به سر می‌برند تغییر دهند و قطعاً اگر برایشان ظرفیت اقتصادی فراهم شود علیه وضع موجود و اشکال مختلف خشونت که بر آنان اعمال می‌شود قاطعانه تلاش خواهند کرد ناگفته نماند در کنار آن با برپایی ورکشاپ‌های مختلف و مطالعه آموزش‌شان باید از لحاظ فکری نیز توانا شوند. شما هر چند که برایشان توضیح دهید وقتی که دست‌شان خالی است و بدون پشتوانه است فایده‌ای نخواهد داشت اما اگر به لحاظ اقتصادی مستقل باشد دل بزرگی دارد. شادتر و با امید و اعتماد به نفس زندگی خواهد کرد.

شنگال(سنجار) شهری در بخش غربی استان نینوا در عراق است و جمعیت آن ترکیبی از کردهای یزیدی و اقلیتی از آشوریان مسیحی و عرب‌های سنی است. در سوم اوت ۲۰۱۴ نیروهای داعش به شنگال حمله کردند. در این حمله بیش از هفت هزار نفر کشته شدند و پنج هزار زن و دختر یزیدی به عنوان غنیمت جنگی ربوده شدند. در پی حمله داعش بسیاری از مردم شنگال و روستاهای اطراف مجبور شدند به کوهستان‌ها پناه ببرند و بسیاری از آن‌ها در اثر پیاده‌روی‌های طولانی، تشنگی و گرم‌زدگی در راه جان باختند. داعش بسیاری از افرادی را که موفق به فرار نشده بودند کشت. تاکنون ۲۲ گور دسته‌جمعی از یزیدیان قربانی داعش در اطراف شنگال کشف شده و از سرنوشت هزاران نفر از افراد ناپدیدشده هیچ اطلاعی در دست نیست. در این بین تعدادی از زنان یزیدی از همان نخستین روزهای جنگ به کمک نیروهای «ی پ ژ» (یگان مدافع زنان و یکی از یگان‌های نیروهای دموکراتیک سوریه که اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند) برای مقابله با داعش آموزش‌های ابتدایی دیدند. بسیاری از این زنان از بردگان جنسی‌ای بودند که بعد از آزادی و پیوستن به یگان زنان مدافع خلق با شعار «زندگی مقاومت است» در جبهه‌های مختلف علیه داعش جنگیده‌اند. هر چند تمام جزئیات رویدادها ثبت نشده است.

در سال‌های اخیر و پس از پیروزی‌های مداوم یگان‌ها مدافع خلق روژآوا(کردستان سوریه) به ویژه یگان‌های زنان، چند فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی درباره نبرد زنان کرد سوریه با داعش تولید شده‌اند که مبارزات یگان زنان کرد سوریه با داعش را روایت می‌کنند.

نبردهای زنان کرد سوریه با داعش با چنان جذابیتی از جمله در حوزه هنرهای تصویری در جهان روبه‌رو شده است که برخی سینماگران مشهور غربی را نیز ترغیب کرده است مبارزات زنان کرد را در آثار سینمایی و تلویزیونی قرار دهند.

در اکثر حوزه‌های هنری همچون هنرهای تصویری مانند عکاسی، فیلم مستند، فیلم سینمایی، سریال تلویزیونی و غیره آثاری درباره مبارزه نیروهای تمام زن کرد سوریه با داعش تولید شده که برخی از آن‌ها نیز نقدهای خوبی از منتقدان دریافت کرده‌اند. چند کتاب هم برای روایت مبارزه زنان کرد سوریه با داعش، در کشورهای غربی به چاپ رسیده است.

نیکولاس هراس، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه در توییتری ضمن استقبال از چنین آثاری، نوشت: «این رویکرد می‌تواند به یک ژانر هنری نو تبدیل شود و در سال‌های آینده موضوعی جدید برای تولید آثار سینمایی و تلویزیونی در غرب باشد.»

در این میان دولت فاشیستی ترکیه، همواره نیروهای کرد سوریه را «تروریست» خوانده و در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ دو عملیات نظامی گسترده برای بیرون راندن نیروهای کرد از شمال سوریه انجام داد. ارتش ترکیه با همکاری گروه‌های تروریستی سوری کانتون عفرین را به اشغال نظامی خود درآورده‌اند.

روشن است که شرکت‌های تولیدکننده فیلم و سریال نخست به کسب سود و سرمایه فکر می‌کنند اما افکار عمومی که چنین تولیدات سینمایی را می‌بینند قضاوت دیگری دارند و مبارزه مردم کرد به ویژه زنان را می‌شناسند و تحسین می‌کنند. شاید به فکر همبستگی با جنبش زنان کرد بیش‌تر بیاندیشند.

چند فیلم سینمایی درباره مبارزه زنان کرد با داعش تولید شده و برخی از آن‌ها در جشنواره‌های غربی نقدهای خوبی دریافت کرده‌اند. یکی از اولین فیلم‌ها در این حوزه، فیلم سینمایی «دختران آفتاب» به کارگردانی ایو حوسون فرانسوی است که داستان واقعی حمله داعش به کردهای ایزدی در منطقه شنگال عراق را به تصویر می‌کشد. دختران قهرمان فیلم نماد دختران کرد ایزدی هستند که بعد از حمله داعش سازماندهی شده و در عراق و سوریه با داعش مبارزه کردند.

مجله اسپکتاتور درباره این فیلم چنین نوشته است: «فیلم دختران آفتاب سال گذشته در جریان برگزاری فستیوال فیلم کن در فرانسه نقدهای خوبی دریافت کرد اما با بداقبالی روبه رو شده و رسانه‌های امریکایی عموماً آن را فیلم ضعیفی توصیف کرده‌اند.»

نوتورنو هم از جمله فیلم‌های مستندی است که بخش مهمی از آن به مبارزه کردها با داعش و تأثیرات حمله این گروه به مناطق کردنشین سوریه و عراق پرداخته است. این اثر جیان فرانکو روزی با استقبال خوب کارشناسان حوزه فیلم روبه‌رو شده است.

اولین سریال تلویزیونی که به مبارزه زنان کرد سوریه با داعش پرداخته، «سرزمین هیچ کس» نام دارد این سریال بیش از یک فصل خواهد داشت و سرویس تلویزیونی هولو از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ این سریال را پخش کرده است. این سریال درباره جست‌وجوی یک مرد فرانسوی در سوریه برای پیدا کردن خواهرش است که احتمالاً جان خود را از دست داده است. او در جست‌وجو برای یافتن خواهرش به نیروهای زنان کرد سوریه موسوم به یگان‌های ypj برخورد می‌کند؛ نیروهایی که داعش از مواجهه با آن‌ها بیم دارد زیرا جنگجویان داعشی بر این باورند اگر به دست زنان کشته شوند به بهشت نخواهند رفت.

چند شرکت و شخصیت‌های هنری غربی دیگر نیز تمایل خود را برای ساختن آثاری درباره کردها و مبارزه کردها با داعش نشان داده‌اند که برخی از مراحل فیلم‌برداری آن‌ها تمام شده است.

در هر صورت جمهوری اسلامی ایران پایگاه چندانی در مناطق کردنشین ندارد. به همین دلیل جمهوری اسلامی در کردستان تمام قدرت سرکوبگری خود را از یکسو و ایدئولوژیکی و سیاسی و فرهنگی خود را از سوی دیگر به کار می‌اندازد تا جایگاهی هرچند محدود برای خود دست و پا کند. برای مثال مسؤول بسیج جامعه زنان سپاه بیت‌المقدس کردستان گفت: هم‌زمان با هفته بسیج، ۲۰۰ عنوان برنامه بصورت مجازی توسط این نهاد در مناطق مختلف این استان برگزار می‌شود.

به گزارش ایرنا، ۲۹ آبان ۱۳۹۹، بتول سرکانی در نشست خبری با بیان این‌که هفته بسیج امسال با شعار «بسیج، پیشرو در خدمت و امید آفرینی» نام‌گذاری شده است، گفت: سازمان بسیج جامعه زنان سپاه بیت‌المقدس کردستان در شهرستان‌ها و پایگاه‌ها برنامه‌های متنوعی را متناسب با روز شمار آن در نظر گرفته که در فضای مجازی و یا با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار خواهد شد.

او اضافه کرد: ۴۱ عنوان برنامه از این تعداد به صورت نمادین و به مناسبت چهل و یکمین سالگرد هفته بسیج در سطح حوزه‌ها و پایگاه‌های شاخص استان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار می‌شود.

مسؤول بسیج جامعه زنان سپاه بیت‌المقدس کردستان افزود: راه‌اندازی ۶ مهد در مناطق حاشیه‌نشین به منظور تربیت کودکان در تراز انقلاب اسلامی، دیدار و تجلیل از خانواده معظم شهدا و کادر درمان، مانور بزرگ فرهنگی، اجتماعی با برپایی بخش مددکاری، خدمت‌رسانی، مشاوره با استفاده از گروه‌های جهادی، نشست صمیمی فرماندهان پایگاه‌های مرکز استان با سردار فرمانده سپاه بیت‌المقدس، برگزاری مسابقه کتاب‌خوانی، نشست فرهنگیان خاھر و سبک زندگی فاطمی، توزیع جهیزیه برای زوج‌های جوان از جمله این برنامه‌ها است.

سرکانی تأکید کرد: خدمت‌رسانی به بسیجیان، نشست‌های روشنگری با موضوع ارتقای حجاب و عفاف، برگزاری کارگاه معاصر سازی سبک زندگی فاطمی و برگزاری یادواره‌های شهدا و مسابقات ورزشی بومی، محلی ویژه خواران بسیجی از دیگر برنامه‌های این سازمان در طول هفته بسیج است.

مسئول بسیج جامعه زنان سپاه بیت المقدس کردستان با بیان این که بسیج لشکر مخلص خدا و خدمتگزار مردم و در تمام صحنه ها با اخلاص آماده نقش آفرینی است، ادعا: بسیج همواره در تمام مأموریت های سخت و دشوار همچون مبارزه با طاغوت و همچنین دفاع مقدس به خوبی درخشیده و الگویی برای آزادی خواهان جهان بوده و اکنون تمام توان خود را برای حل مشکلات مردم به کار بسته است.

جمهوری اسلامی از ۳۰ آبان تا ۶ آذر را به عنوان هفته بسیج نامگذاری کرده است. همه این تقالها نشان می دهند که جمهوری اسلامی در کردستان جایی ندارد و این منطقه همچنان سنگر آزادی خواهان است!

در جمع بندی می توان تاکید کرد زنان هم به طبقات متفاوت تعلق دارند و به همین دلیل مطالباتشان در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کاملاً متفاوت است. همه گرایشات درون طبقه سرمایه دار از نوع لیبرال آن گرفته تا ناسیونالیستی، فاشیستی و مذهبی نه تنها سیاست های زن ستیز دارد بلکه در سرکوب زنان نیز نقش دارند. بنابراین نقد الترناتیوهای لیبرالی و بورژوایی، یکی از اقداماتی است که برای خنثی کردن سیاست های آنان در منحرف کردن مبارزات زنان، ضروری است.

امروز در سراسر جامعه ما، زنان در صف اول همه جنبش های اجتماعی و مبارزاتی حضور فعال دارند و به هر نسبت میزان حضور آنان در سایر عرصه های مبارزاتی وسیع تر گردد، می توانند مطالبات خود را در همه جنبش ها و حرکت های اعتراضی مطرح کنند. یک مسأله مهم دیگر این است که نباید اجازه داد زنان از مردان و خلق های مختلف از یکدیگر جدا شوند به همین دلیل باید در سطح سراسری اتحاد و همبستگی همه زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب و خلق های تحت ستم دوش به دوش هم در جنبش زنان حضور داشته باشند. چرا که چنین جدایی همه جنبش های سراسری به ویژه جنبش زنان را تضعیف می کند.

یاد و خاطره تمام زن جان باخته به ویژه پیشمرگان و گریلاهای راه آزادی و برابری را گرامی بداریم. مبارزه و مرگ آنان تنها از عشق وافر به فداکاری بی دریغ آنان در راه رهایی مردم سرچشمه می گیرد. زنانی که پا به پای مردان در کوه ها دسانت به راهپیمایی سخت و طولانی زدند و جنگیدند و همچنان می جنگند. آن ها صادقانه سرما و گرما و گرسنگی را تحمل کردند اما گرمای وجود خود را نثار نزدیکان و رفقا و جنبش های اجتماعی آزادی خواه و حق طلب کردند. آن ها ایستاده مردند و هرگز تسلیم دشمن نشدند.

یاد و خاطره تمام مادران جان باختگان را گرامی بداریم که شجاعانه در برابر چوبه دار مرگ جگر گوشه هایشان و سنگفرش های شهرها و قله کوه ها را نظاره کردند و دم بر نیاوردند تا نشان دهند هرگز شکست را پذیرا نخواهند شد. پیکارگران قبل از این که واقعا به خودشان فکر کنند، همواره زمان زیادی را صرف کنکاش در روابط اجتماعی، احساسات و ایده ها می کنند تا راه رهایی قطعی را بجویند!

یاد تمامی زنان مبارز و انقلابی، به ویژه زنان انقلابی کردستان که برای تحقق انقلاب سوسیالیستی و تحقق برابری و رهایی زنان جان خودشان را فدا کردند، گرامی باد!

شنبه شانزدهم اسفند [حوت] ۱۳۹۹ - ششم مارچ ۲۰۲۱